

آینه

جمهوری اسلامی

انگور و عنب واوزوم

● اگر به ظاهر اظهارات و نوشته‌های بعضی افراد افراطی مخالف آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی توجه شود این نکته کاملاً مشهود است که آنها، هم شورای نگهبان را نهادی قانونی می‌دانند که حرف آخر درباره صلاحیت داولطیان را باید بزند و امام را هم مخالف تضعیف شورای نگهبان می‌دانند؛ ولی سخنان آقای هاشمی‌رفسنجانی را به معنای قبول نداشتن شورای نگهبان و مخالفت با نظر امام‌خمینی درباره این شورا تفسیر کردند و با تکیه بر همین توهم هر چه خواستند علیه ایشان گفتند و نوشتند. جالب اینکه افراطیون جناح مقابل هم در همین واقعه تهمت‌هایی نثار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی کردند که اگر از بدگویی‌های جناح اول زشت‌تر نباشد، کمتر نیست. همین واقعیت که آقای هاشمی‌رفسنجانی مورد نوازش افراطیون هر دو جناح است نشان از مظلومیت او دارد. اگر افراطیون دو جناح را صادق بدانیم باید اجازه ندهیم آقای هاشمی که گفته است انگور، یکی از این دو ایراد گرفت که باید بدگویی «عنّب» و آن دیگری گفت باید بگویي «اوزوم» یعنی هردو گفتند نباید بگویي «انگور»؛ درحالی‌که هر دوی آنها از چیزی سخن می‌گویند که نامش «انگور» است، ما چون مامور به ظاهر هستیم چنین می‌گوییم و به خود اجازه نمی‌دهیم «نیت خوانی» کنیم و از ظاهر سخن افراطیون این دو جناح برداشت‌های باب میل خود را داشته باشیم. راستی تا چه وقت باید این «نیت‌خوانی» باعث تفرقه و دعوا در جامعه اسلامی و انقلابی ما بشود؟ مگر حفظ وحدت، برترین و مهم‌ترین سفارش امام‌خمینی نبود؟! انتقاد به شورای نگهبان نیز نه ممنوعیت شرعی دارد و نه قانونی. می‌توان به تصمیمات این شورا ایراد گرفت و در نهایت نیز به نظر نهایی آن گردن نهاد. کسانی که می‌گویند ایرادگرفتن به شورای نگهبان اشکال دارد و خیانت است لابد برای اعضای این شورا عصمت قائلند! ولی قانون و عقل و شرع می‌گویند آنها هم مثل ما جایز‌الخطا هستند.

وقتی مردم

نقدی به نظام جمهوری اسلامی

حسین قدیانی؛ به فرموده امام شهید، اوجب واجبات برای ما حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی است، اگر اقرار است حفظ بعضی‌ها، مثل حفظ خود نظام شود، اگر اقرار است هزینه حفظ عناصر فتنه، خدشه بر شعائر انقلاب باشد و اگر اقرار است بهای حفظ مدعیان وقیح، حذف رسم خمینی از اسم خمینی باشد، حذف اسلام ضدظلم و سنازشاسی باشد، حذف ولی‌نعمتان امام باشد، قسم به خون شهید، به اجرای مژ مدل و داد در حق این جماعت ضدانقلاب راضی‌تریم تا ماندن‌شان در این انقلاب؛ صد سال سیاه نخواستیم خانواده انقلاب چنین خاندان متفرعنی داشته نباشد... هرکجا بسیجی هست، بیت امام همان‌جاست! هرکجا رزمنده هست، بیت امام همان‌جاست! زحمت بیهوده می‌کشید! تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست!... خمینی هیهون خدا بود به ما! روح خدا جز خدا صاحبی نداشت! امام ما را نمی‌توان به نام زد! بسی بزرگ‌تر از این حرف‌هاست! ما دست از دامان خمینی برنمی‌داریم؛ و امام بیدار خود را به مشت‌ی خواب و خاطره نخواهیم فروخت! امام بزرگوار ما عاشق این بود که آمریکا را زیر پا بگذارد و مثل این دریادلان سپاهی، کاری کنیم کارستان، بلکه در تقابل تاریخی و ماندگار جمهوری اسلامی و آمریکا، این عکس ثبت و زبونی یابنکی‌ها باشند که مخایره شود! لذا اشدالناس به خمینی، همان عزیز فرزانه‌ای است که به وقت، «نشان فتح» می‌دهد! این ملت شهیدپرور، این امت حزب‌الله، همه «یادگار خمینی» هستند! «من یادگار خمینی هستم» شعار همه این مردم است!

سارت

نامه‌ای به امام خمینی (ره)

محمود فرشپدی:هنوز طنین کلام شما در خاطره‌ها باقی است که مکرراً بر وابستگی انقلاب اسلامی به پابرنه‌ها تاکید می‌فرمودی و خود مسئولان را خادم ملت می‌خواندی و مسئولان را از توجه به جرب و شیرین دنیا برحذر می‌داشتی و پس از شما نیز رهبر عزیز همواره کارگزاران و ولتمردان را به این صراط مستقیم هدایت می‌فرمودی، اما متأسفانه امروز برخی کارگزاران کشور با این شاخص‌ها بسیار فاصله گرفته‌اند و با آرمان‌های نظام مردم‌سالاری دینی بیگانه‌اند، تا آنجا که حتی سیاست‌های عدالت‌خواهانه نظام و قانون اساسی را به باد استهزا می‌گیرند و با تعابیر سوسیالیستی و توده‌ای از آن یاد می‌کنند. امام عزیز! غرض از این تصدیق، عرض ارادت و تجدید عهدی بود، نه شکواینه‌ای و شکایتی، اگرچه چنین به سر آمد اما خبر خوش در سالگرد دهه فجر آنکه، ملت ایران و بلکه مسلمانان جهان تا همیشه تاریخ خود را وامدار شما می‌دانند و تمام توان خویش را برای دفاع و گسترش انقلاب کار باقی می‌نهند، از سکاندار انقلاب به کار خواهند گرفت. کمااینکه همین پایمردی‌های ملت ایران موجب شده است که مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان در نیجره، عربستان، بحرین، یمن و دیگر نقاط علیه آمریکا و استکبار جهانی قیام کنند. دعای خیر خود را از ملت ایران دریغ نفرمایید.

اولین دولت نظام جمهوری اسلامی ۱۵ بهمن ۱۳۵۷.

یعنی یک هفته قبل از پیروزی قطعی انقلاب، در شرایطی بسیار متلاطم و بحرانی تشکیل شد. دولت موقت به نخست‌وزیری مهندس بازرگان در شرایطی شکل گرفت که هنوز مقاومت بقایای رژیم سلطنتی در برابر خیزش مردم ادامه داشت و شیرازه امور از هم گسسته بود، به همین دلیل قبول مسئولیت، نیازمند جسارت و ازخودگذشتگی فراوان بود. به مناسبت سالروز تشکیل دولت موقت، با مهندس هاشم صباغیان که از ابتدای تشکیل دولت موقت به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و سپس وزیر کشور حضور داشته، به گفت‌وگو نشستیم. گفت‌وگویی که حال و هوای بهمن ۵۷ را در خاطر زنده می‌کند.

● علت انتخاب مهندس بازرگان از بین بقیه سیاسیون برای ریاست دولت چه بود؟
در رابطه با انتخاب مهندس بازرگان و دولت موقت، آن روز کسانی که برای نخست‌وزیری کاندیدا بودند آقای قطب‌زاده، بنی‌صدر، مرحوم دکتر بهشتی، مرحوم آقای سنجابی و همچنین مهندس بازرگان بودند که البته مرحوم بهشتی مسئولیتی را پذیرفت و سایر کاندیداها هم رای لازم را برای تصدی نخست‌وزیری به دست نیاوردند و بعدها مطلع شدیم روحانیون تصمیم گرفته‌اند تا اطلاع ثانوی هیچ کار اجرایی‌ای را قبول نکنند. قصد من تعریف و تمجید از مهندس بازرگان نیست بلکه با استدلال می‌توانم بگویم مناسب‌ترین فرد برای دولت موقت در آن زمان مهندس بازرگان بود زیرا پشتوانه مبارزاتی، علمی و مذهبی داشت. مهندس بازرگان کسی بود که به تفسیر قرآن آشنایی داشت و تا حدودی نیز دارای پایگاه خانوادگی در روحانیت بود و اصلاً قایانمقایسه با دیگر کاندیداها نبود و این انتخاب خوبی بود و سربلند هستیم که در مدت ۹ ماهی که دولت موقت کار کرد، توانست هم انقلاب را تثبیت و هم اینکه تمام کارشکنی‌ها را خنثی کند. رهبر فقید انقلاب از قبل شناختی از مرحوم بازرگان داشتم ولی نه آن‌قدر که دکتر بهشتی یا آقای هاشمی‌رفسنجانی و دیگران را می‌شناختم. وقتی رای‌گیری شد بقیه افراد حاضر، رای کافی نداشتند و اتفاق‌ظری وجود نداشت. وقتی مرحوم بازرگان را کاندیدا کردند و دکتر بهشتی و مرحوم مطهری نیز بر روی مهندس بازرگان بیشتر اصرار داشتند، نخست‌وزیری بازرگان تأیید شد که پس از آن به اطلاع رهبر انقلاب هم رسید. وقتی مهندس بازرگان انتخاب شدند خطاب به شورای انقلاب گفتند: آیا شما کسی را که انتخاب کرده‌اید می‌شناسید؟ من کسی هستم که در چارچوب قانون حرکت می‌کنم و هیچ‌گاه نظر فردی را اجرا نمی‌کنم. اگر جمع، کاری را تصویب کرد در آن صورت انجام می‌دهم و همیشه اعتقاد بر این است که باید لایه به لایه کارکرد و لایه اول را تکمیل و سپس به لایه بعدی رفت اما اگر زود بخواهیم به پله پنجم نرذبان برویم، بدون آنکه لایه‌های قبل را درست کرده باشیم، ممکن است موفق نشویم. به همین دلیل هم سیاست مهندس بازرگان به سیاست گام‌به‌گام معروف شد که البته در سال‌های آخر نیز دیگر مسئولان سیاست گام‌به‌گام را در پیش گرفته‌اند. به‌این‌ترتیب مهندس بازرگان انتخاب شد و حکمی هم در روز ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ تهیه و در حضور خبرنگاران سراسر دنیا توسط آقای هاشمی‌رفسنجانی قرائت شد.

● دلیل انتخاب آقای هاشمی برای قرائت حکم چه بود؟

اینکه چه کسی حکم را بخواند توسط شورای انقلاب مشخص شده و جزئیات آن را نمی‌دانم. **● علت حضور دکتر غلامعباس توسلی و دکتر ابراهیم یزدی در روز انتخاب مهندس بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر چه بود؟**

این افراد به‌عنوان مترجم برای خبرنگاران خارجی حضور داشتند.

● پوشش مهندس بازرگان در روز انتصاب به سمت نخست‌وزیری چگونه انتخاب شد؟

مهندس بازرگان به‌طور مرتب و منظم با کت و شلوار و کراوات حضور داشت زیرا به نظم و ترتیب اعتقاد داشت. آن روزها جو تندی غالب بود و لباس با کراوات، طاغوتی تلقی می‌شد اما مهندس بازرگان همچنان اعتقاد داشت باید مانند قبل مرتب و منظم باشد و جوژه نشده بود.

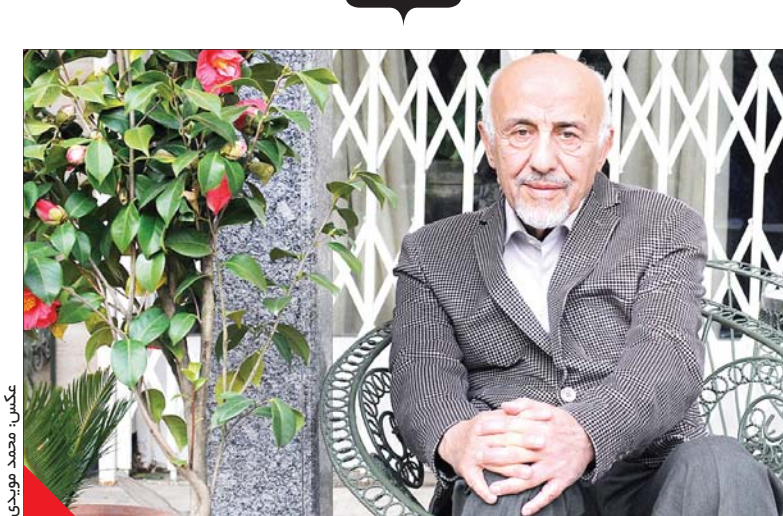
● با توجه به جو آن روزها، به‌خاطر کراوات تذکری به ایشان داده شد؟

خیر، به‌افاصله بعد از این انتخاب، مسئله مراجعه خبرنگاران داخلی و خارجی مطرح شد، به مدرسه رفاه رفتیم و من میزری را تمیز کردم و تعدادی صندلی گذاشتم؛ همان اتاق نخست‌وزیر شد. کلاس دیگری را هم برای مراجعان آماده کردیم. اولین انتصاب مهندس بازرگان ریاست دفتر بود که برعهده من گذاشته شد. البته حکمی در کار نبود. پس از آن مهندس بازرگان سخنرانی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی نیز از مهندس بازرگان دفاع کردند. چندین تظاهرات خیابانی به راه افتاد که شعار معروف «بازرگان بازرگان نخست‌وزیر ایران» از آنجا سر داده شد و به انقلاب کار او اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در روز ۱۵ بهمن آغاز شد.

● نحوه انتخاب وزرای کابینه چگونه بود؟

شورای انقلاب که نقش قوه‌مقتنه را برعهده داشت باید تمامی وزرا را تأیید و تصویب می‌کرد و سپس رهبر فقید انقلاب حکم آنها را صادر می‌کردند ازاین جهت ریاست دادسرای بزرگی هم داشت، سامان کشور و قوه قضائیه فعلی باید کسی باشد که مجتهد

تاریخ سیاسی



عکس محمد مجیدی

گفت‌وگو با هاشم صباغیان درباره تشکیل نخستین کابینه برآمده از انقلاب

دولت موقت؛ روایت از درون

علی شاملو

و دارای رتبه اجتهاد باشد که بعدها دکتر بهشتی این مسئولیت را پذیرفت. در زمان دولت موقت، مرحوم آقای صدر حاج سیدجوادی که حقوق‌دانی مجرب و باسابقه بود به این سمت منصوب شد. البته هنوز قانون اساسی تصویب نشده بود و تفکیک قوا و مسئولیت‌ها مشخص نبود. **● چرا جناب‌عالی از ابتدا به‌عنوان وزیر کشور انتخاب شدید و سمت معاون نخست‌وزیر در امور انتقال را به عهده گرفتید؟** کار اجرایی را کسی باید برای مهندس بازرگان انجام می‌داد. حجم معاونت امور انتقال بیش از یک وزارتخانه بود و مهم این بود که مشکلات انقلاب را چگونه رفع کنیم. با توجه به آشنایی و سابقه کار اداری‌ای که پیش از پیروزی انقلاب داشتم، این سمت از سوسی مهندس بازرگان به من محول شد. من در رژیم گذشته حدود ۲۰ سال سابقه کار اداری داشتم، ساواک گفته بود که کارهای حساس را به ما ندهند؛ اما کارهای اجرایی زیادی داشتم. در سازمان مسکن که زیرمجموعه وزارت مسکن و شهرسازی است، رئیس اداره امانی بودم و اولین مجموعه انبوه‌سازی در ایران را راه‌اندازی کردم. آن زمان کوروش آموزگار وزیر مسکن بود که برای فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی بسیار احترام قائل بود و با ما رفاقت می‌کرد. وقتی من‌مهم‌ترین کار معاونت، امور انتقال بود، حجم کار فوق‌العاده بالا بود؛ به‌طوری‌که گاهی ما نمی‌توانستیم به منزل برویم؛ البته علاوه بر من آقای دکتر ابراهیم یزدی و امیر انتظام هم نمی‌توانستند بروند و به منزل سر بزنند.

● با توجه به سابقه فعالیت سیاسی، ساواک مانع کارهای اداری و اجرایی شما نمی‌شد؟ خیر، در سال ۱۳۴۸ روزی برای افتتاح مجموعه آپارتمانی بهجت‌آباد، شاه آمد. ساواک به سازمان مسکن گفته بود صباغیان نباید حضور داشته باشد و با مخالفت سازمان مسکن مواجه شده بود. من در حضور شاه درباره کار مجموعه توضیح می‌دادم. چند تن از مأموران ساواک دور مرا گرفته بودند که در آن میان کسی شانه مرا فشار محکمی داد، کار یکی از اطرافیان شاه بود و به من گفت مهندس چرا جلوتر از اعلی‌حضرت می‌روی؟ نباید جلوتر از اعلی‌حضرت حرکت کنید. به او گفتم من باید توضیح دهم. توضیح را که از پشت سر نمی‌توان داد و باید جلو باشم، اگر می‌خواهید توضیح ندهم.

● ساختمان نخست‌وزیری در زمان تحویل به دولت موقت در چه وضعیتی قرار داشت؟ در همان محلی که هویدا و پس از او هم بختیار مستقر بودند، ساختمان بزرگ گردی به نام کاخ نخست‌وزیری بود. ساختمان اداری نخست‌وزیری هم در کنار آن بود، قرار شد که به‌هیچ‌وجه وارد کاخ اصلی نخست‌وزیری نشویم و فقط در بخش اداری و در طبقه دوم آن یک اتاق برای مهندس بازرگان و رئیس دفترش و سه اتاق هم برای هر یک از ما معاونین به همراه یک رئیس دفتر اختصاص داده شود. مجموعه دولت موقت در آنجا بودیم. جالب این است که وقتی به ساختمان کاخ که بختیار مستقر بوده، رفتم دیدم روی میز آقای بختیار ظرف غذا بود؛ یعنی تا خبر پیروزی انقلاب را شنیده بود غذای خود را نیمه‌کاره رها کرده و فرار کرده بود. بعد از تحویل نخست‌وزیری، مهندس بازرگان، من، دکتر یزدی و مهندس این‌انظم را به‌عنوان معاون نخست‌وزیر منصوب کرد. من به‌عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انتقال، دکتر یزدی در امور انقلاب و امیر انتظام در امور اداری و روابط عمومی. هر روز صبح ساعت هشت من و آقایان یزدی و امیر انتظام در اتاق مهندس بازرگان جمع می‌شدیم و با هم کارها را بررسی می‌کردیم و با مشخص‌شدن و تقسیم‌کارها امور دولت را پیگیری می‌کردیم.

● وظایف معاونت امور انتقال چه بود؟

معاونت انتقال می‌بایست تمام دستگاه‌های زائد نظام گذشته را سروسامان داده، منحل و جمع می‌کرد. دستگاه‌های مورد نظر نیز هرکدام بخش بزرگی بود یکی از آنها وزارت دربار بود که باید وزارت دربار را که بی‌مبارستان بزرگی هم داشت، سامان می‌دادیم؛ دررواقع منحل‌کردن به معنی اینکه کار در

آن بحیوحه انقلاب کار در یک دولت همچون کار در دولتی که در پنج سال بعد همه چیز نظم یافته، نبود. **● امام خمینی (ره) نیز به‌عنوان رهبر انقلاب درباره وزرا نظر می‌دادند؟**

بله درواقع ایشان می‌پرسیدند و اطلاعات را در اختیار ایشان می‌گذاشتند. کسانی که اطلاعات را در اختیار امام‌خمینی می‌گذاشتند مورد وثوق ایشان بودند؛ بنابراین ایشان هم می‌پذیرفتند.

● آیا اتفاق افتاد که امام خمینی (ره) به‌گزینهِای برای وزرات در دولت نظر منفی داشته باشند و دولت از انتصاب آن گزینه صرف‌نظر کند؟

برای هیچ کاندیدایی رهبر فقید انقلاب این‌طور نگفتند. به‌عنوان مثال برای وزارت خردوم، بعد از اینکه توانستیم اوضاع را آرام کنیم و کارهای اولیه را انجام دهیم آقای صدر حاج سیدجوادی مقداری در وزارت کشور توانست در برخی استان‌ها، استاندار مناسب انتخاب کنند. فارس ازجمله استان‌هایی بود که آقای نصرت‌اله امینی که شهردار زمان دکترمصدق بود در آنجا به استانداری فارس انتخاب شده بود که توانسته بود کاری از پیش ببرد که بعد از دو ماه استعفا داد. بنابراین مهندس بازرگان به من پیشنهاد دادند که وزارت کشور را من اداره کنم، این درواقع ترمیم اول کابینه بود. من به مهندس بازرگان گفتم آماده‌ام در هر سمتی به انقلاب خدمت کنم، به همین دلیل از همان ابتدا نیز بدون آنکه شما بگویید رفتم و میز را تمیز کرد و آنجا را برای حضور شما و مراجعه‌کنندگان آماده کردم. پس از آن نیز که شما معاونت امور انتقال را که جای حساسی بود به من سپردید و از شما متشکرم ولی شرایطی دارم که باید با رهبر فقید انقلاب در میان بگذارم و اگر ایشان پذیرفتند من پست وزارت کشور را بعهده می‌گیرم که مورد را از من بزرزید و من در جواب گفتم عده‌ای در استان‌ها می‌خواهند استاندار باشند و خالت می‌کنند و دخالت آنها باعث می‌شود که وزیر نتواند کار خود را به‌درستی انجام دهد و یک فرد هرچقدر هم بزرگ باشد. نمی‌تواند در مسئولیت وزیر دخالت کند که مهندس بازرگان نیز تأیید کردند؛ بنابراین به قم رفتم و در جلسه‌ای با رهبر فقید انقلاب که حاج احمد آقا نیز حضور داشت مطالب موردنظر را به ایشان گفتم و اضافه کردم که آمده‌ام تا صحبت‌ها را با شما داشته باشم؛ زیرا درحال‌حاضر کردستان در خطر است و عده‌ای از گروه کومله ادعای استقلال‌طلبی دارند. طرف دیگر بیستپان وعلی‌چوستان به نوع دیگری خطرناک است. همچنین آذربایجان و خلق مسلمان خطر دیگری است و من با کمکی که خداوند به من می‌کند در خود این نیرو را می‌بینم که بروم و تا آنجا که می‌توانم مسائل را سروسامان دهم اما یک شرط دارم و آن تغییر همیشگی خود ایشان استعلام کردم و گفتم علمای بلاد در هر بلاد یک نقشه دارند، اما شما باید دستور بدهید که دخالت نکنند؛ البته ما توصیه آنها را می‌پذیریم. علاوه بر اینکه با آنها مشورت هم می‌کنیم ولی آن‌گونه که تشخیص دادیم عمل می‌کنیم اگر بخواهند دخالت کنند اصراری به پذیرش پست وزارت کشور ندارم و در همان نخست‌وزیری به کار ادامه می‌دهم. حضرت امام پیش از پیروزی انقلاب از من شناختی داشتند، زیرا از طرف انجمن مهندسان به قم برای دیدار ایشان رفته بودیم و کارها و فعالیت‌هایی را که تا آن زمان انجام داده بودم به ایشان گزارش داده بودم؛ بنابراین حرف ما تأیید کردند و به حاج احمدآقا گفتند که با آقایان خبر دهید که باید مورد مشورت وزیر قرار بگیرند و وزیر هم با آنها مشورت می‌کند اما مشخصاً نباید اقدامی صورت دهند که من ضمن تشکر بازگشتم و نظر مثبت خود را برای قبول پست وزارت کشور به مهندس بازرگان اعلام کردم. پیشنهاد وزارت من به هیأت دولت و شورای انقلاب برده شد و شورای انقلاب نیز تصویب کرد و با اعضای خود رهبر فقید انقلاب به من حکم دادند. چند ماه بعد آقای ربانی املشی که در شورای انقلاب بود و از پیش از انقلاب نیز در کارهای مخفی با هم همکاری داشتم جایی مرا دید و به من گفت «حالا دیگر شکایت ما را پیش آقا می‌بری؟! هرچه بگویی که ما می‌پذیریم». من با منوچهر را کامل برایش تعریف کردم. وقتی وزارت کشور را تحویل گرفتم با خیلی از مشکلات روبه‌رو بودیم؛ ازجمله در استان فارس که سه گروه در آنجا ادعای سرپرستی استانداری این استان را داشتند؛ بنابراین می‌بایست کسی را به عنوان استاندار انتخاب می‌کردم که رضایت همه این گروه‌ها را دربرداشته و جلب کند. من نیز بیشتر به دنبال این بودم شخصی را که سابقه کار اجرایی داشته باشد انتخاب کنم که آقای علی دانش‌مفرد را مناسب این سمت دیدم که هم سابقه کار اداری قبلی داشت و هم بسیار با او رفاقت داشتم زیرا استانداری که آنجا می‌رفت می‌بایست هماهنگی کاملی با وزیر داشته باشد که

ایشان در کار خود به عنوان استاندار در شیراز بسیار موفق عمل کرد به‌طوری‌که هم مهدی محلاتی و هم آیت‌الله دستغیب و هم برداران قشقایی با ایشان ارتباط خوبی برقرار کردند؛ به‌طوری‌که حتی برداران قشقایی اموالی داشتند که کسی از جای آن خبر نداشت و در انبار باغی که جلوی آن تیغه شده بود گذاشته بودند و تلفنی به من خبر دادند و ما هم به آن محل رفتیم و اموال را بیرون آوردیم که این اموال شامل عتیقه‌جات گران‌بهای می‌شد که با یک صورت‌جلسه همه آن اموال به خود آنها تحویل داده شد؛ این اموال را در زمان شاه که می‌خواستند از ایران بروند در آنجا پنهان کرده بودند که البته برخی از آن اموال را به موزه دادند.

● نحوه انتخاب وزرا برای هر وزارتخانه به چه شکل بود؟ انتخاب وزرا روش یکسانی نداشت. برای هرکدام روشی خاص اعمال شد؛ مثلاً آقای مهندس تاج که وزیر نیرو بود از بزرگان و صاحب‌منصبان وزارت نیرو و از اعضای انجمن مهندسان بود و مدت‌ها آنجا کار کرده بود؛ زیرا یک عده هم وجود داشتند که تلاش می‌کردند کار وزرا را با شکست مواجه کنند؛ ازاین‌رو سعی می‌شد وزرا ضروری انتخاب شوند که وزیر نقطه‌ضعف قبلی نداشته باشد و قسمت‌هایی که نیاز به تخصصی داشت، از تخصص افراد در آن زمینه استفاده شود. برخی وزارتخانه‌ها مانند وزارت بهداری ضمن اینکه به مدیریت نیاز داشت، تخصصی نیز بود، به همین دلیل مرحوم دکتر سامی را در این سمت قرار دادند.

● مثلاً چرا مرحوم داریوش فروهر یا دکتر رضا صدر برای وزارت کار و بازرگانی انتخاب شدند؟ انتخاب داریوش فروهر برای وزارت کار به این دلیل بود که او از نظر مدیریتی قوی بود. در وزارت کار انجمن‌های کارگری از سابق وجود داشت که کارگران حزب توده و سایر احزاب در آنجا عضو بودند. فروهر تخصص کاری نداشت ولی چون در اداره و مدیریت قوی بود به آن سمت کمارده شد که موفق هم شد با دکتر صدر که وزیر بازرگانی بود مدت‌ها مدیر بازرگانی شرکت تولید دارو که متعلق به آقای منصوب کرد. من به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و باسابقه که کارهای تولید دارو را در خارج از کشور انجام می‌داد، بود و به همین علت برای وزارت بازرگانی انتخاب شد. با مانند مهندس کتیرایی، وزیر مسکن و شهرسازی که از مهندسان خوش‌نام و باسابقه وزارت مسکن زمان شاه بود. هرکس را که می‌خواستند به عنوان استاندار می‌دادیم دلایلی را نیز می‌گفتم و پس از تحقیق پذیرفته می‌شدند.

● وزرا توسط دولت موقت انتخاب و توسط شورای انقلاب تأیید می‌شدند، آیا کسی بود که شورا آن شخص را به‌عنوان وزیر نپذیرد؟ به یاد ندارم که کسی را معرفی کرده باشیم و شورای انقلاب نپذیرفته باشد. تمام سعی بر این بود که افراد متخصص در کار خود انتخاب شوند؛ زیرا در

ادامه در صفحهٔ ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

کیمیان

- جهش علمی ایران در کنترل ایزد و تولید داروهای نوترکیب
- بانک مرکزی : دارایی‌های خارجی ایران ۴۰ درصد افزایش یافت
- محمدرضا باهنر: دولت احمدی‌نژاد از نظر عطش خدمت و کار زیاد استثنایی است
- متکی در کنفرانس مشترک با حکیم: توصیه جدی ما به آمریکایی‌ها آزادی سریع دیپلمات‌های ایرانی است
- بهره‌برداری از ۴ هزار واحد مسکونی، ده‌ها طرح مخابراتی، درمانی و آموزشی
- لاریجانی: هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع هسته‌ای‌شدن ایران شود
- عوارض قطع درخت ۱۰۵ برابر افزایش یافت
- آیت‌الله سیستانی: عراقی‌ها به درگیری‌های قومی پایان دهند
- وزیر دفاع آمریکا: به دنبال رویارویی با ایران نیستیم
- رحیم صفوی: هرگونه برخورد با ایران، ابهت آمریکا را درهم خواهد شکست
- روزنامه «سیاست روز» توقیف شد

اطلاعات

- سلطانیه: ایران از هر ابتکاری برای حل مسالمت‌آمیز هسته‌ای استقبال می‌کند
- دستاورد جدید دانشمندان ایرانی: درمان پیشرفته سلولی ضایعات نخاعی
- مذاکرات عبدالعزیز حکیم با مقام‌های بلندپایه ایرانی
- اسحاق جهانگیری: تزریق ارز به بازار، حجم واردات را افزایش می‌دهد
- راهاندازی بزرگ‌ترین مجتمع تولید داروهای نوترکیب در ایران
- صدها کشته و زخمی در بزرگ‌ترین انفجار بغداد
- آیت‌الله رفسنجانی: دامن‌زدن به اختلافات مذهبی و قومی خواست دشمنان مردم عراق است
- متکی: ایران در اجلاس وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق شرکت می‌کند
- رئیس مجلس: برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب مقررات آژانس انرژی اتمی است
- لاریجانی: بحث هسته‌ای یک مسئله ملی است

اعتماد

- بازدید غیرمتعهدها از سایت‌های هسته‌ای
- کنترل گرانی با سودای واردات
- وداع با کاروان سالار موسیقی ایران: پرویز یاحقی
- فیفا از هیأت‌رئیسه انتقالی فوتبالی ایران توضیح خواست
- دولت استراتژی مشخصی ندارد
- انتقاد دبیرکل اعتماد ملی از تجمیع انتخابات
- مرکز هسته‌ای اصفهان به روی خارجیان شکو شده شد
- سخنگوی شورای نگهبان: وزرات خارجه کشور برای انتشار آمار انتخابات اقدام کند
- رودررویی دستگاه‌های مصرفی با مجلس

جمهوری اسلامی

- اعتراف رسمی سازمان جاسوسی آمریکا: ایران عامل خشونت در عراق نیست
- دستگاه‌های اجرایی موظف به استخدام فرزندان شاهد بی‌کیار و دارای تحصیلات دانشگاهی شدند
- بازدید غیرمتعهدها از سایت‌های هسته‌ای ایران
- افتتاح چند طرح عمرانی و زیربنایی در هرمزگان و اصفهان توسط رئیس‌جمهور
- موفقیت دانشمندان ایرانی در عرصه علمی؛ داروی کنترل ایدز در ایران ساخته شد
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار سیدعبدالعزیز حکیم: اعتماد مردم عراق به علما سرمایه مقابله با طرح‌های تفرقه‌افکنانه است
- وزیر دفاع در گفت‌وگو با روزنامه عربی الوفاق: هر نوع اقدام نظامی علیه ایران به منزله خودکشی طرف مقابل است
- چهار نفر از اعضای جدید هیات مؤسس دانشگاه آزاد انتخاب شدند
- رئیس سازمان هواپیمایی کشوری: نرخ بلیت هواپیما سال آینده افزایش نمی‌یابد

شرق

- هشدار سردار صفوی: برخورد با ایران ابهت آمریکا را درهم خواهد شکست
- احمدی‌نژاد: ما یاد گرفته‌ایم روی پای خود بایستیم، برای ساختن کشور عجله داریم
- باهنر: در رفتار دولت احمدی‌نژاد یک استراتژی مشخص حاکم نیست، به هاشمی‌رفسنجانی نمره ۱۷ می‌دهم
- صفارهرزندی: حکم صادر نکرده‌ام که احزاب نباشد